

خبر

نفت امارات از طریق عربستان به اسرائیل می‌رود

دورزدن تنگه هرمز

● منابع عبری‌زبان از گفت‌وگو میان تل‌آویو و ابوظبی درباره کشیدن خط لوله نفت از امارات به اسرائیل از خاک عربستان خبر دادند. به گزارش ایسنا، به نقل از سایت شبکه روسیالیوم، روزنامه اسرائیلی «گلوبس» اعلام کرد که مقامات اسرائیل گفت‌وگوهایی را در ابوظبی برای ساخت خط لوله انتقال نفت خام از امارات به بندر «ایلات» و بندر «اشکلون» ازطریق عربستان انجام داده‌اند. طبق این گزارش، این طرح برای انتقال نفت خام به بازارهای اروپا و دوزرن مسیرهای تنگه هرمز و سواحل سومالی خواهد بود. این روزنامه در ادامه نوشت که اسرائیل سالانه مبالغ هنگفتی از این پروژه به دست خواهد آورد. همچنین روزنامه عبری‌زبان معاریو گزارش داد که «باشگاه سفیران» اسرائیل با یک باشگاه مشابه در دوبی درباره همکاری دوجانبه برای سازماندهی سفر متقابل هیئت‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی دو طرف به توافق رسیده است. طبق این گزارش، اسحاق الدان، رئیس باشگاه سفیران اسرائیل که مسئولیت هماهنگی میان دیپلمات‌های خارجی و این رژیم را برعهده دارد، نامه‌ای را برای همتایانش در امارات ارسال کرده و خواستار همکاری میان دو طرف برای اعزام هیئت‌های متقابل میان تل‌آویو و ابوظبی شد. معاریو در ادامه گزارش داد که این درخواست مورد موافقت طرف اماراتی قرار گرفت و توافقی دراین‌باره میان دو طرف صورت گرفت. طبق توافق صورت‌گرفته میان دو طرف، ابتدا یک هیئت اماراتی به اراضی اشغالی سفر خواهد کرد و سپس یک هیئت اسرائیلی عازم ابوظبی خواهد شد. در همین راستا، الدان گفت که ابتکار عمل باشگاه سفیران اسرائیل به توسعه صلح و همکاری‌های منطقه‌ای کمک می‌کند و «باشگاه سفیران» در بحرین نیز توافق مشابهی صورت گرفته است.

آمادگی گلبدین حکمتیار برای ائتلاف با طالبان

● رهبر حزب اسلامی افغانستان تمایل خود را بری تشکیل ائتلافی با طالبان در افغانستان ابراز کرد. به گزارش ایسنا، به نقل از خبرگزاری آتاتولی، گلبدین حکمتیار، رهبر حزب اسلامی افغانستان، به به‌طرفدارانش در مقر این حزب در کابل گفت: حزب اسلامی برای مذاکرات مستقیم با طالبان و همچنین برای مشارکت و همکاری آماده است. ما معتقدیم که اگر این دو گروه دست در دست یكدیگر دهند، این بحران در افغانستان به‌زودی پایان خواهد یافت و هیچ نیرویی قادر نخواهد بود تا در مقابل آن بایستد. او افزود: هنگامی که نخستین دور از مذاکرات میان دولت افغانستان و طالبان تکمیل شود، ما برای آغاز مذاکرات میان حزب اسلامی و طالبان آماده خواهیم بود. دیگر تصمیم‌گیری در این زمینه برعهده طالبان است. طالبان از شنبه گذشته مذاکرات صلح مستقیم با دولت افغانستان را آغاز کرده و هنوز درباره این پیشنهاد حکمتیار اظهارنظری نداشته است. اوایل ماه جاری میلادی، حکمتیار گفته بود که آمریکا درک کرده که حضورش در افغانستان هیچ نتیجه‌ای جز خسارات مالی و جانی نداشته است. حکمتیار مدعی شد که دولت کابل در تلاش است این روند صلح را تا انتخابات ریاست‌جمهوری نوامبر آمریکا به تأخیر بیندازد.

بازداشت نماد اعتراضات در بلاروس

● پلیس ضدشورش بلاروس روز شنبه با محاصره‌کردن حدود دو هزار زن که برای اعتراض به نتیجه انتخابات و استعفای الکساندر لوکاشنکو در مینسک تجمع کرده بودند، تعدادی از آنها را بازداشت کرد؛ ازجمله یک مادر بزرگ ۷۳‌ساله که به قهرمان اعتراضات انتخاباتی بلاروس بدل شده است. هم‌زمان انتشار یک ویدئو از این مادر بزرگ معترض که در آن مأموری پرچم و دسته‌گل را از دست او بیرون می‌کشند و او را به سمت خودروی پلیس می‌برد، با واکنش فراوان در شبکه‌های اجتماعی بلاروس روبه‌رو شده است. به گزارش بی‌بی‌سی، مأموران سربزوش که برخی از آنها نقاب هم به صورت زده بودند، در حالی به تجمع زنان معترض نزدیک شده و آنها را محاصره کردند که برخی از معترضان شعار می‌دادند: «فقط بزدلان به زن‌ها حمله می‌کنند». همچنین روز گذشته بار دیگر تظاهرات بزرگ ضددولتی در مینسک، پایتخت، برگزار شد؛ رویدادی که از نخستین هفته بعد از انتخابات ۹ اگوست به رسم یکشنبه‌های معترضان تبدیل شده است. آنها به نتایج این انتخابات که به موجب آن یک بار دیگر الکساندر لوکاشنکو خود را با کسب ۸۱ درصد آرا برنده اعلام کرد، معترض‌اند و خواستار آن هستند که آقای لوکاشنکو استعفا دهد. دراین‌حال، اتحادیه اروپا تحریم‌های جدیدی علیه دولت لوکاشنکو در نظر گرفته که علت آن سرکوب معترضان اعلام شده است. سازمان ملل متحد می‌گوید دولت بلاروس در جریان ۵۰۰ تظاهرات دسالمت‌آمیز، دست‌کم ۱۰ هزار نفر را بازداشت کرده است. او به‌تازگی در سوچی روسیه با ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهوری روسیه، دیدار کرد و وعده وام یک‌ونیم‌میلیاردلاری از او گرفت.

مریم جعفری: مرگ «روث بیدر کینزبرگ»، قاضی لیبرال دیوان عالی آمریکا، در روز جمعه به پیچیدگی‌های انتخاباتی در ایالات متحده افزوده است. همچنین با نزدیک‌شدن به زمان برگزاری انتخابات سوم ماه نوامبر، پیش‌بینی‌ها نیز رنگ‌وبویی دیگر به خود گرفته است و کمتر کسی با قاطعیت درباره نتیجه این انتخابات سخن می‌گوید. «دونالد ترامپ» که برای حفظ کرسی خود در کاخ سفید مبارزه می‌کند، هم در داخل کشورش و هم در عرصه بین‌المللی با چالش‌های فراوانی روبه‌رو است. از منظر سیاست خارجی، ترامپ در وضعیت بغرنجی به‌سر می‌برد که نتیجه سیاست‌های یک‌جانبه‌گرایی او به‌ویژه در تقابل با اروپا بوده است. هم‌پیمانان سنتی

آمریکا دیگر اعتقادی به نقش رهبری این کشور در جهان ندارند. علاوه بر این، پس از بحران کرونا، انتظار اروپا از آمریکا، به‌دست‌گرفتن رهبری جهانی بود که متأسفانه این هم‌پیمان اصلی اروپا با رویکردی یک‌جانبه مانع تحقق رابزنی‌های دیپلماتیک برای کاهش اثرات بحران کرونا شد و بی‌بوسته در حال دامن‌زدن به شکاف‌هایی است که چین از آنها بهره‌برداری می‌کند. از همین‌رو، رهبران اروپایی امیدوارند با پیروزی «جو بایدن» دموکرات، او بتواند بار دیگر نظم جهانی از‌دست‌رفته را بازیابی کند؛ هرچند به باور اکثر تحلیلگران بین‌المللی، بایدن حتی در صورت پیروزی نیز نمی‌تواند شرایط را به پیش از دوران ریاست‌جمهوری ترامپ بازگرداند و راه دشواری پیش‌رو دارد. آنها بر این‌س باورند که اگر بایدن در انتخابات آمریکا پیروز شود، در روابط بین‌کشورهای حوزه اقیانوس اطلس پیشرفت‌هایی حاصل می‌شود؛ اما اتحادیه اروپا نباید انتظار تغییرات اساسی در روابط تجاری آمریکا، چین، سیاست‌های ناآشو و خاورمیانه داشته باشد. برای بررسی شرایط کنونی و آینده جهان، با «مارک اوته»، دیپلمات بلژیکی که پیش از این نماینده ویژهٔ اتحادیه اروپا در روند صلح خاورمیانه بوده است، گفت‌وگو کردیم. مارک اوته که زمانی مدیر خاورمیانه و مشاور ویژه وزیر خارجه بلژیک نیز بوده، اکنون به‌عنوان مدیرکل انستیتوی «اگمونت» در حال فعالیت است.

● شما همواره بر این نکته تأکید کرده‌اید که انتخابات در ایالات متحده قابل پیش‌بینی نیست. با توجه به پیشتازی جو بایدن در نظرسنجی‌ها و چرخش اقبال عمومی به سمت دموکرات‌ها، هنوز هم این انتخابات را غیرقابل پیش‌بینی می‌دانید؟ نمی‌دانم که ترامپ مجدداً انتخاب خواهد شد یا خیر. هنوز مشخص نیست که سیاست ایالات‌متحده به چه سمتی تغییر خواهد کرد. پیش‌بینی نتایج هر انتخابات دشوار است؛ اما در ایالات‌متحده سیستم آرای الکترال بر ابهامات افزده است. در انتخابات گذشته نیز «هیلاری کلینتون» اکثریت آرای عمومی را به دست آورد، ولی در نهایت انتخابات را به دونالد ترامپ باخت؛ اما در انتخابات سال جاری، علاوه بر تمامی این ابهامات، تأثیر ابیدمی کووید۱۹ و اختلاف‌های شدید در جامعه آمریکا را نمی‌توان نادیده گرفت. این حوادث

بیش از گذشته این انتخابات را پیچیده کرده است. اما بدون شک آمریکایی‌های بسیاری به سمت جو بایدن چرخیده‌اند. حزب دموکرات علاوه‌بر دراختیارداشتن برخی از حوزه‌های انتخاباتی به‌صورت سنتی، به دلایلی توانست اقبال عمومی را به‌سوی خود جذب کند. یکی از مهم‌ترین عوامل، احتمالاً مدیریت نادرست ترامپ در اوج همه‌گیری بحران کرونا و تأثیر آن بر اقتصاد این کشور بود. در کنار این عامل می‌توان به روایت‌های تفرقه‌انگیز و تحقیرآمیز رئیس‌جمهوری آمریکا نسبت به نهادهای سنتی ایالات متحده مانند ارتش نیز اشاره کرد. جنبش «جان سیاه‌پوستان مهم است» نیز قطعاً بر نتیجه این انتخابات تأثیر می‌گذارد.

● این حوادث می‌تواند به نفع جو بایدن تمام شود؟ آرای خاموش، آن‌طور که ترامپ و بایدن درصدد جذب آن هستند، عمل نمی‌کنند. افرادی که تاکنون به نتیجه نرسیده‌اند که در رسوم نوامبر پای صندوق‌های رای بروند یا نروند، با منظره‌ها و حوادث این چنینی تصمیم نخواهند گرفت. بسیاری از آنان در دقیقه ۹۰ انتخاب می‌کنند.

● به باور شما به‌عنوان یکی از مقامات عالی‌رتبه در اتحادیه اروپا، این اتحادیه منظر ریاست‌جمهوری بایدن است؟



«مارک اوته»، نماینده سابق اتحادیه اروپا در خاورمیانه، به «شرق» گفت:

پیروزی ترامپ مسیر اروپا در خاورمیانه را تغییر می‌دهد

اروپا همواره آماده همکاری با دولتی است که می‌خواهد روابط قابل اعتماد ترنس–اتلانتیک را بازیابی کند.

● اما با پیروزی مجدد ترامپ، بار دیگر خطر رشد احزاب راست‌گرا در اروپا افزایش می‌یابد؛ این برای اروپا خطرناک نیست؟

بله متأسفانه نته‌ها گروه‌های راست‌گرا دوباره اوج خواهند گرفت، بلکه جغرافیای سیاسی اروپا نیز به خطر می‌افتد.

● پس اروپا خواهان ریاست‌جمهوری بایدن برای ترمیم شکافی است که در چهار سال گذشته و در دوران ریاست‌جمهوری ترامپ بسیار عمیق شده است؟

استراتژیک خود متمرکز شده است؛ بنابراین نقش آنان در منطقه متأثر از این استراتژی است؛ هرچند این استراتژی هم تحت تأثیر سیاست‌های دولت باراک اوبامااست. ایالات متحده همچنان در خاورمیانه منافع مهمی دارد و تغییر در شرایطی که در چهار سال گذشته شاهد آن بوده‌یم، مشابه خواهد شد

● تغییر در عملکرد اروپا می‌تواند بر اقدامات ترامپ تأثیر داشته باشد. این حوادث می‌تواند به نفع جو بایدن تمام شود؟ آرای خاموش، آن‌طور که ترامپ و بایدن درصدد جذب آن هستند، عمل نمی‌کنند. افرادی که تاکنون به نتیجه نرسیده‌اند که در رسوم نوامبر پای صندوق‌های رای بروند یا نروند، با منظره‌ها و حوادث این چنینی تصمیم نخواهند گرفت. بسیاری از آنان در دقیقه ۹۰ انتخاب می‌کنند و

● به باور شما به‌عنوان یکی از مقامات عالی‌رتبه در اتحادیه اروپا، این اتحادیه منظر ریاست‌جمهوری بایدن است؟

جهان

در خاورمیانه تأثیر بگذارد؟ ایالات متحده به‌طور فزاینده‌ای بر چین به‌عنوان اصلی‌ترین رقیب استراتژیک خود متمرکز شده است؛ بنابراین نقش آنان در منطقه متأثر از این استراتژی است؛ هرچند این استراتژی هم تحت تأثیر سیاست‌های دولت باراک اوبامااست. ایالات متحده همچنان در خاورمیانه منافع مهمی دارد و تغییری در شرایطی که در چهار سال گذشته شاهد آن بودیم، مشاهده نخواهد شد.

● با این تفسیر، توافق اخیر اسرائیل با امارات و بحرین نیز شرایط خاورمیانه را دستخوش تغییر نمی‌کند. این توافق نشان می‌دهد تغییراتی در اولویت‌های استراتژیک بازیگران منطقه‌ای در حال روی‌دادن است؛ اما توافق اخیر بیشتر مانوری انتخاباتی از

سوی ترامپ است. ● آیا بایدن این تغییرات را در صورت ورود به کاخ سفید می‌پذیرد و دیپلماسی کنونی را ادامه می‌دهد؟

بدون شک، بایدن با روشی متفاوت اما در همین مسیر گام برخواهد برداشت. او باید تکه‌های باقی‌مانده از میراث سلف خود را نیز بردارد.

● برخی بر این باورند که توافق ۲۵‌ساله ایران با چین باعث شده ترامپ زمینه توافق با اسرائیل را فراهم کند؛ این فرضیه تا چه اندازه محتمل است؟

هنوز نمی‌توان درباره توافق تهران و پکن سخن گفت. این توافق فقط در حد یک ایده باقی مانده است.

● شکست‌های اخیر سیاست‌های ترامپ در برابر تهران می‌تواند شانس او را برای پیروزی در انتخابات کاهش دهد؟

ترامپ همان‌طور که مشخص است، موفق به اجرای مکانیسم ماشه نشده؛ اما این موضوع تأثیر مهمی بر نتیجه انتخابات این کشور ندارد. اعضای شورای امنیت سازمان ملل متحد نیز به‌جز ایالات متحده، خواهان دوام برجام هستند. بنابراین سرنوشت نهایی توافق تهران به نتیجه انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا بستگی خواهد داشت. اگر بایدن برنده شود، این احتمال وجود دارد که سازشی کارآمد برای بازگرداندن ایالات‌متحده به برجام ایجاد شود.

● اما اگر ترامپ مجدد پیروز شود، احتمال وقوع مذاکره بین واشنگتن و تهران وجود دارد؟

ترامپ همواره گفته که خواهان کشودن باب مذاکره با تهران است. البته پاسخ به این پرسش به تحولات سیاسی داخلی ایران نیز بستگی دارد؛ هرچند بدون شک سیاست فشار حداکثری ادامه خواهد یافت.

● یکی از مشاواران بایدن می‌گوید اگر او به کاخ سفید راه یابد، تمامی تحریم‌های آمریکا علیه تهران به‌سرعت لغو می‌شوند؛ آیا بایدن می‌تواند چنین وعده‌ای را عملی کند؟

بدون شک در چنین شرایطی تلاش‌هایی برای کاهش تنش‌ها رخ می‌دهد، شاید با کمک و میانجیگری اروپا؛ اما برای تحقق پیشرفت‌ی چشمگیر، راهی طولانی در پیش خواهد بود. یک بار دیگر نیز تأکید می‌کنم که این موضوع به تحول در ایران و تحرکات تهران در منطقه بستگی دارد.

خاورمیانه دیگر مانند گذشته مهم نیست

معنا نیست که واشنگتن باید چالش‌های بی‌شماری که منطقه را درگیر خود کرده و به‌ویژه بحران‌های انسانی در سوریه و یمن را نادیده بگیرد. اما ما نمی‌توانیم و نباید سرمایه‌گذاری گسترده‌ای را انجام دهیم؛ به‌ویژه آنکه آمریکا درگیر بحران‌های ناامیدکننده دیگری است؛ موضوعاتی که به‌طور مستقیم با منافع حیاتی یا مشکلات آمریکا در ارتباط نیستند؛ یکی از این موارد کلاسیک ظاهرا بی‌پایان، صلح میان اسرائیل و فلسطینان است. در حقیقت این نظر ماست که ایالات‌متحده سه منافع حیاتی در خاورمیانه دارد: محدودیت تروریسم، محافظت از جریان نفت و جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای و تا پیش از خروج دونالد ترامپ از توافق با تهران، واشنگتن در تحقق و حفاظت از این منافع به‌خوبی عمل می‌کند. از ۱۱ سپتامبر تاکنون تنها یک حمله موفق ظاهراً توسط یک سازمان تروریستی در قاره آمریکا رده داده است. اما موضوع اصلی و کاینه‌برانگیز این است که طبق یک برآورد معتبر، دولت‌های آمریکا از ۱۱ سیاتمبر تاکنون شش‌تریلیون دلار صرف مقابله با این تهدید کرده‌اند؛ اما این همه به‌طور دائم در سرزمین‌های خارجی نداریم و می‌توانیم با استفاده از دارایی‌ها و تعداد اندکی از نیروها ویژه، تهدید این تروریست جدید را که می‌خواهد به ایالات‌متحده آسیب برساند، به حداقل برسانیم.

ما شاید بتوانیم خود را از هیدروکربن‌های عربی جدا کنیم اما بقیه مسائل جهانی هنوز وجود دارد. یک اختلال جدی و دمام در جریان انتقال نفت خلیج‌فارس می‌تواند تأثیرات مخربی بر اقتصاد جهان و به تبع آن بر اقتصاد با بگذارد. ایران شاید بخواهد برای مدت کوتاهی تنگه هرمز را ببندد اما این کشور احتمالاً تمایلی برای بسته نگه‌داشتن این تنگه برای مدتی نامشخص ندارد. بنابراین واشنگتن بدون افزایش قابل‌توجه در سرمایه‌گذاری‌های نظامی یا اقتصادی، باید بتواند از منافع انرژی خود در خاورمیانه حفاظت کند. خاورمیانه برای سال‌های آینده همچنان آشفته باقی خواهد ماند؛ هرچند این منطقه غیرقابل پیش‌بینی است و می‌تواند بحران‌هایی را خلق کند که برای آمریکا دور از انتظار باشد.

اما بااین‌حال نیازی نیست که با جاه‌طلبی‌های غیرواقعی، بی‌احتیاطی و نگرستن به آن، آن‌طور که خودمان می‌خواهیم و به دور از واقعیت‌ها زمینه شکست‌مان را از هم‌اکنون مهیا کنیم. رونوشت به جو بایدن که خاورمیانه منطقه هیچ‌کس نیست، در حقیقت ایالات‌متحده دیگر سگ برتر در خاورمیانه نیست و نیازی هم نیست که باشد.

در حوالی میدان سرخ

● با گسترش ابیدمی کرونا در ابتدای فصل بهار در روسیه بود که وزارت توسعه اقتصادی این کشور از کاهش ۱۲درصدی تولید ناخالص داخلی در ماه آوریل خبر داد و پیش‌بینی کرد این روند در سه‌ماه دوم نیز ادامه خواهد داشت و تخمین زد که در ماه می به ۱۰٫۶ درصد خواهد رسید. این موضوع آغازی بود بر توقف رشد اقتصادی در بزرگ‌ترین کشور جهان که در دو سال گذشته مسیر قابل‌ملاحظه‌ای را طی کرده بود و حتی با وجود ظهور این ویروس ناشناخته به سه‌ماهه نخست سال ۲۰۲۰، رشد ۱٫۶درصدی را ثبت کرده بود.

باوجوداین، کرملین امیدوار بود که بتواند شیب منفی تولید ناخالص ملی را متوقف کند اما در این میان بولتن اقتصاد کلان بانک مرکزی روسیه اعلام کرد که اگرچه تلاش دارد این وضعیت را بهبود بخشد اما واقعیت این است که بحران خسارت‌های واردشده بر پیکر اقتصاد روسیه در ماه می که این کشور با قرنطینه خانگی روبه‌رو بود، امکان‌پذیر نیست. از سوی دیگر محاسبات وزارت توسعه اقتصادی نیز از کوچک‌شدن پنج‌درصدی اقتصاد تا پایان سال خبر می‌داد.

با آغاز فصل پاییز، کارمراستانت در گزارشی اعلام کرد که اگرچه تولید ناخالص داخلی روسیه در سه‌ماهه دوم ۸٫۵ درصد کاهش یافته اما باید به این موضوع نیز توجه داشت که دولت توانسته است حدود یک درصد آن را کنترل کند؛ چراکه پیش‌بینی بانک مرکزی، رقم ۹٫۶ درصد را برای پرباند سه‌ماهه دوم نشان می‌داد.

بدون شک اقتصاد روسیه تابستان سختی را تجربه کرد؛ چراکه از یک‌سو با کاهش ۷۹درصدی صنعت توربیسزم روبه‌رو شد و از سوی دیگر با افت ۸٫۵درصدی صنعت و تولید؛ در این میان کسب‌وکارهای کوچک نیز ۱۶٫۶ درصد تقلیل یافت و تنها نقطه قوت رشد ۳٫۱درصدی تولید محصولات کشاورزی بود.

اما مقامات بانک مرکزی این کشور در کنگره بانک‌های روسیه که در ابتدای ماه سپتامبر برگزار شد، نظر دیگری داشتند و از بهبود تدریجی اقتصاد سخن به میان آوردند. بانک مرکزی روسیه معتقد است که پس از رشد ۱۰٫۳درصدی در سال ۲۰۱۹، پایان سال جاری با وجود دو فاکتور غیرمنتظره یعنی ظهور ویروس کرونا و به دنبال آن کاهش شدید قیمت نفت، اقتصاد تا پایان سال تنها ۴٫۵ درصد کوچک خواهد شد و این‌ موضوع را نقطه مثبتی در مهار بحران و اتفاق‌های بدر می‌داند.

باوجوداین، بانک مرکزی روسیه سه سناریو را پیش‌روی اقتصاد این کشور می‌داند: به موجب سناریوی نخست که خوش‌بینانه به این موضوع نگاه می‌کنند، پس از کاهش ۴٫۵ تا ۵٫۵درصدی تولید ناخالص داخلی روسیه در سال ۲۰۲۰، وضعیت اقتصادی در این کشور به‌دنبال سیاست‌گذاری‌های انجام‌شده تا اواسط سال ۲۰۲۲ به شرایط قبل از ظهور بحران کروناویروس بازمی‌گردد. در سناریویی دیگر این سیاست‌گذاری در سال ۲۰۲۳ به نتیجه خواهد رسید و سناریوی بدبینانه از تحقق آن در سال ۲۰۲۴ سخن به میان می‌آورد.

مقامات بانک مرکزی روسیه بر این باورند که به‌دنبال ارتباط مستقیم قیمت نفت با ابیدمی کرونا، دیگر نمی‌توان آن را به‌عنوان رکن اصلی اقتصاد در نظر گرفت. آنها در سناریوی خوش‌بینانه قیمت هر بشکه نفت روسیه را در سال ۲۰۲۰، ۳۸ دلار، ۲۰۲۱، ۴۰ دلار و ابتدا تا انتهای ۲۰۲۲ را میان ۴۵ تا ۵۰ دلار پیش‌بینی کرده‌اند. اما آنها در سناریوی دوم که ضدتورم نام‌گذاری شده است، معتقدند که مصرف‌کننده به‌دلیل ترس از بی‌پولی به‌موجب موج‌های جدید قرنطینه و کاهش درآمد، از مصرف برخی کالاها و خدمات و از بعد کلان از تجارت امتناع می‌کند که منجر به تعویق پروژه‌های سرمایه‌گذاری خواهد شد. این سناریو از تمدید توافق با اوپک‌پلاس می‌گوید و قیمت نفت برای سال ۲۰۲۱ را ۳۵ دلار پیش‌بینی می‌کند.

اما سناریوی سوم از موج دوم قرنطینه جهانی سخن به میان می‌آورد که به موجب وضعیت وخیم اقتصادی برخی کشورها، می‌تواند منجر به تشدید تنش‌ها و خطرهای ژئوپلیتیکی در نظام بین‌الملل و پیچیده‌ترین بحران اقتصادی شود. در این سناریو باوجود توافق با اوپک‌پلاس، قیمت هر بشکه نفت به ۲۵ دلار خواهد رسید و نهایتاً تا پایان سال ۲۰۲۳ به ۳۵ دلار بهبود خواهد یافت.

مقامات روسیه تأکید دارند که رکود اقتصادی در روسیه در مقایسه با دیگر کشورهای پیشرفته نظیر ایالات متحده (۹٫۵درصد) و اتحادیه اروپا (۱۴٫۱درصد) کمتر بوده است باوجوداین به نظر می‌رسد که یکی از دلایل این امر عدم توسعه‌یافتگی سهم مشاغل کوچک و متوسط در این کشور مانند آمریکا و اروپا است و همچنان غول‌های اقتصادی و اشرافیت‌های این کشور وابسته به دولت هستند و در این شرایط کرملین این شانس را دارد که با سیاست‌های حمایتی نقش مستقیمی از اخراج کارمندان و تشدید بحران اقتصادی داشته باشد. شاید همین موضوع سبب شده است تا صندوق بین‌المللی پول نیز نگاهی خوش‌بینانه به کاهش تولید ناخالص ملی در روسیه داشته باشد.